

A Comparative Study of the Criminal Law Approach of Iran and a Number of other Muslim Countries Towards Self-harming

 **Arash Gharibi**

PhD student in criminal law and criminology, Qom University, Qom, Iran (Corresponding author)
arashgharibi@gmail.com

 **Abolfath Khaleghi**

Professor in criminal law and criminology, Qom University, Qom, Iran ab-khaleghi@qom.ac.ir

 **Morteza Fathi**

Assistance professor in criminal law and criminology, Qom University, Qom, Iran
fathi@yahoo.com

Received: 2024-07-25

Accepted: 2024-11-24



Abstract

Self-harming refers to non-fatal physical harm to oneself, without conscious suicidal intent. In this respect, two types of self-harm are conceivable based on intention. These include intentional self-harm and unintentional self-harm. What is certain is that when facing the phenomenon of self-harming, it is necessary to adopt various measures, including punitive and non-punitive measures. The prevailing expectations and perceptions of any social system is to respond punitively to the behavior that violates the rights of others on the part of the perpetrator, and not to an action that a perpetrator may take to the detriment of his own interests and privileges. However, various criminal law systems, including those of Iran and some Islamic countries, have gone beyond this general perception and criminalized self-harming.

Journal of Research and
Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 7 | No. 25 | Winter 2025
(Original Article)

<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:
10.22034/law.2024.2036664.1423

In this article, conducted relying on the descriptive-analytical method, an attempt has been made to carry out a scholarly investigation of Iranian criminal law and a those of a number other Islamic countries and to formulate clearly the punitive aspect of the systems under study regarding the phenomenon of self-harming. The main focus of this research is to discover what measures Iranian criminal law and those of other Muslim countries have taken concerning a diverse range of self-harming actions. The logic behind selecting the penal systems of the countries that are the subject of this comparative study includes, in addition to religious commonalities, the similar cultures they share with Iranian society. All of them have introduced Islam as the formal Sharia and its rulings as the source of legislation, and have taken steps to codify jurisprudence in their criminal policy and in codification of their own laws. The research findings show that Iran's criminal law approach, considering its jurisprudential, legal, and cultural origins, has similarities and differences in criminalization compared to the countries under study, and has adopted punitive and non-punitive responses to self-harming that have been enumerated in detail.

Keywords: Self-harming, physical harm, suicidal intent, without suicidal intent, criminal response



مطالعه تطبیقی رویکرد حقوق کیفری ایران و برخی از کشورهای مسلمان نسبت به خویش آزاری

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم، قم، ایران
arashghariby@gmail.com (نویسنده مسئول)

آرش غریبی 

استاد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران
ab-khaleghi@qom.ac.ir

ابوالفتح خالقی 

استادیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم، قم، ایران
fathi@yahoo.com

مرضی فتحی 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۷ | شماره ۲۵ | زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

<https://jcl.illrc.ac.ir>

DOI:

10.22034/law.2024.2036664.1423

چکیده

مقصود از خویش آزاری، آسیب بدنی کمتر از مرگ به خویش استن است، به نحوی که قصد خودکشی آگاهانه وجود نداشته باشد. از این حیث دو نوع خویش آزاری به اعتبار قصد و نیت قابل تصور است که شامل خویش آزاری عمدی و خویش آزاری غیرعمدی می باشد. آنچه مسلم است این که در مواجهه با پدیده خویش آزاری به تناسب چند وجهی بودن آن بایستی تدابیر گوناگونی از جمله تدابیر کیفری و غیرکیفری اتخاذ گردد. انتظارات و تلقی غالب هر نظام اجتماعی، پاسخ‌دهی کیفری به رفتارهای ناقض حقوق دیگران از جانب مرتکب است و نه اقدامی که مباشر به زیان منافع و امتیازات خویش استن انجام می دهد. با این وصف سیستم های مختلف حقوق کیفری از جمله ایران و برخی از کشورهای اسلامی فراتر از این تلقی عمومی، اقدام به جرم انگاری خویش آزاری کرده اند.

در نوشتار حاضر که با استمداد و تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گردیده، تلاش شده تا در حقوق کیفری ایران و تعدادی از کشورهای اسلامی کنکاش علمی صورت گیرد و سیمای کیفری سیستم های مورد مطالعه در پدیده خویش آزاری به خوبی ترسیم گردد. محور اصلی این جستار، یافتن پاسخ و حل این مسأله بوده که حقوق کیفری ایران و برخی از کشورهای مسلمان نسبت به طیف متنوعی از خویش آزاری چه تدابیری اتخاذ نموده اند؟ منطق گزینش سیستم کیفری کشورهای مورد مطالعه در مطالعه تطبیقی، علاوه بر اشتراکات دینی، بعضاً فرهنگ‌های مشابهی است که با جامعه ایران دارند. همگی اسلام را شریعت رسمی و احکام آن را منبع قانون-گذاری معرفی و نسبت به تقنین فقهی در سیاست کیفری و وضع قوانین موضوعه خود اقدام کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند؛ رویکرد حقوق کیفری ایران با توجه به خاستگاه فقهی، حقوقی و فرهنگی، در قیاس با کشورهای موضوع مطالعه، اشتراکات و تمایزاتی در اقدام به جرم انگاری داشته و واکنش‌های کیفری و غیرکیفری در خویش آزاری اتخاذ کرده که تفصیلاً احصاء شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: خویش آزاری، آسیب بدنی، قصدخودکشی، بدون قصد خودکشی، واکنش کیفری.

۱. مقدمه

مهمترین تفاوت انسان با سایر مخلوقات وجود اختیار است. این موضوع انسان را در موقعیتی قرار می‌دهد که خود را دارای اختیار، خودمختاری و مسلط بر خویشتن بداند. حال با فرض این موقعیت برای انسان، تکالیف و حقوقی به وی تعلق خواهد گرفت، در نتیجه آثار تعلق حق تسلط بر خویشتن میان مکاتب مختلف منجر به تعارضاتی شده است که در قوانین مصوب کشورهای مختلف بروز و ظهور یافته است. حق بر خویشتن به صورت مشخص با مولفه‌هایی چون آزادی فردی، خودمختاری و اختیار افراد ارتباط دارد.

یک موضوع مهم در خصوص حق بر خویشتن، بدن یا جسم انسانی است. کنجکاوای انسان نسبت به بدن خویش موضوع قابل تأمل و پرچالش در اندیشه وی بوده است و این موضوع دست مایه علوم مختلفی چون عرفان، پزشکی، روانشناسی، هنر، علوم اجتماعی و حقوق قرار گرفته است. باید پذیرفت که هستی انسان در دنیای مادی، هستی کالبدی است که جلوه آغاز زندگی در قالب جسم محقق می‌شود و با پایان زندگی کالبد مادی نیز تمام می‌شود. لذا بدن، نماد موجودیت انسان است. وی با بدن با جهان پیرامون ارتباط برقرار کرده و آن را درک می‌کند. بدن در نظام فکری الهی و غیر الهی دارای جایگاه مقدسی است که به شدت مورد محافظت و نگرهبانی کرامت انسانی و الهی قرار دارد. همه انسان‌ها حق بر خورداری از سلامت جسمی و حفظ جان و حمایت از آزادی فردی در مقابل بی‌حرمتی‌ها را دارند. (کهندانی، رضوی فرد، ۱۳۹۹: ۱۵۹) قوانین بسیار متن و استواری در خصوص حفظ سلامت جسم انسان توسط قانون‌گذاران خصوصاً نهادهای تقنینی در کشورهای مختلف در نظر گرفته شده است. در عرصه‌ی حقوق کیفری موضوعات مختلفی وجود دارد که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. گاه این موضوعات در عین مختلف بودن، دارای مبانی یکسانی هستند. لکن مذاقه در چنین مواردی که دارای مبانی یکسان هستند، رویکردهای متفاوت یا حتی متناقض از سوی قانون‌گذاران اتخاذ شده است و این همان چیز است که قابل نقد و بررسی است.

در خصوص موضوع خویش‌آزاری با رویکرد حقوق کیفری تا حدی که پژوهش نگارندگان تا لحظه نگارش این سطور نشان می‌دهد، مطلبی با موضوع مطروحه یافت نگردید. هر چند

مصادیق آن مورد توجه حقوق دانان بوده و در تحقیقات علمی خود به آن پرداخته‌اند ولی هیچ کدام از منظر خویش‌آزاری مصادیق‌مندرج در قوانین کیفری را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

با عنایت به روند رو به رشد جلوه‌های اقدام به خویش‌آزاری با انگیزه‌های متفاوت، انگیزه مهم این پژوهش، کنکاش حقوقی و علمی است. لزوم تطبیق مواد قوانین کشورها و بالاخص کشورهای مسلمان که غالباً علاوه بر اشتراکات دینی، دارای فرهنگ‌های مشابهی نیز با اقوام و کشور ایران هستند، می‌تواند نسبت به استحکام مواد قانونی و پر کردن خلأ‌های قانون در حقوق ایران کمک‌های شایانی نمایند. کشورهای مورد مطالعه دارای این مولفه‌های مشترک با حقوق کیفری ایران هستند که اولاً دین اسلام را در قوانین اساسی خود به عنوان منبع قانون‌گذاری معرفی نموده‌اند و ثانیاً احکام شرعی را مبتنی بر مذهب مورد قبول، در قالب قوانین موضوعه کیفری وضع نموده‌اند مانند کشورهای اندونزی، مالزی، برونئی، مالدیو و یمن. لذا این پژوهش بر آن است که رویکرد حقوق کیفری ایران و برخی از کشورهای مسلمان را نسبت به خویش‌آزاری مورد بررسی قرار دهد.

در راستای ایضاح پاسخ به سوالات فوق در ابتدا به تبیین مفهوم خویش‌آزاری و تمایز آن با حوزه مشترک پرداخته شده و سپس برخی از جلوه‌های آن در دو قسمت، با تطبیق حقوق کیفری ایران و برخی از کشورهای اسلامی به صورت اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مفهوم خویش‌آزاری

فعل خویش‌آزاری^۱ یک رفتار گیج‌کننده است که سال‌هاست در جامعه علمی بدون نتایج قطعی مورد بررسی قرار گرفته است. خویش‌آزاری در فرهنگ معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است. (Mangnal & Yurkovich, 2008: 176) ویلسون در کتاب مهم خود، تفکر در مفاهیم^۲، اظهار داشته است که تجزیه و تحلیل مفاهیم «چارچوب و هدفمندی را به تفکر می‌بخشد چرا که در غیر این صورت، ممکن است فکر به طور نامحدود و بی‌هدف در میان

۱. Self-Harm

۲. Thinking with concepts.

باتلاق‌های وسیع عقل و فرهنگ سردرگم شود» (Wilson, 1963 : 4) ، به نظر می‌رسد که با در نظر گرفتن نام‌های بی‌شماری که به مفهوم فعل خویش‌آزاری یا خودآزاری عمدی نسبت داده شده است، به منظور درک بهتر مفهوم خویش‌آزاری چند نمونه از مفاهیم و اسامی اشاره شده در این خصوص، در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خودآزاری^۱ (Beasley, 2000)، رفتار آسیب‌رسان به خود^۲ (Alper & Peterson, 2001; Bockian, 2002)، خودآزاری مکرر^۳ (Crowe & Bunclarck, 2000)، خود زخمی کردن^۴ (Huban & Tantam, 2000)، شبه خودکشی^۵ (Conaghan & Davidson, 2002)، خودزنی^۶ (Ross & Heath, 2002)، خودآزاری اپیزودیک و مکرر^۸ (Favazza, 1998)، و رفتار خود تخریبی^۹ (Kocalevent et al., 2005). علاوه بر این، به مرور به عباراتی که اخیراً این فعل را مورد توجه قرار داده اند، پرداخته می‌شود.

در حالی که برخی خویش‌آزاری را تنها زمانی که قصد واضحی برای عدم کشتن خود وجود داشته باشد، توصیف می‌کنند (Conaghan & Davidson, 2002)، برخی دیگر آن را دقیقاً برعکس تعریف می‌کنند و می‌گویند که تنها زمانی وجود دارد که به وضوح قصد خودکشی وجود داشته باشد (Klonsky et al., 2003; Ross & Heath, 2002) و برخی دیگر، این فعل را بدون توجه به قصد، صدمه زدن به خود تعریف می‌کنند (Saxe.G. et al., 2002). بدیهی است که با عنایت به این تشتت تعریف، نیاز به یک تعریف استاندارد و جهانی است تا جامعه علمی از مرداب فکری بیرون بیاید و تحقیقات خود را در مورد این پدیده پیچیده، پیش ببرد.

1 self-harm

2. self-injurious behavior

3. repeated self-injury

4. self-wounding

5. parasuicide

۶. نوعی خودآزاری که در آن شخصی بدون قصد خودکشی اقدام به خودکشی می‌کند.

7. self-mutilation

8. episodic and repetitive self-injury

9. autodestructive behavior

تعریفی از این مفهوم (به صورت شماتیک در شکل نشان داده شده است) که حاصل بررسی منابع و تحقیقات متعدد است که عبارت است از: «رفتاری که منتهی به آسیب بدنی و جسمی به خویش شود، بدون آنکه قصد خودکشی آگاهانه وجود داشته باشد.» بنابراین می توان این گونه بیان داشت که دو نوع خویش آزاری به اعتبار قصد و نیت وجود دارد، ۱. خویش آزاری عمدی و ۲. خویش آزاری غیرعمدی. نوع دوم از محل بحث خارج است و در علم روان شناسی مورد توجه است. در حالی که در نوع اول مشترک در علم حقوق جزا و جرم شناسی و روان شناسی است.

سوال مهم این است که چه موقع فعل مشمول خویش آزاری مجرمانه است؟ برای دست یابی به پاسخ این سوال، بایستی موضوع را به شکل مرحله به مرحله پیش برد. در خویش آزاری، از شدیدترین شکل رفتار (آسیب جسمی به خود) تا نازل ترین آن، بایستی به این سوال پاسخ داد که آیا اقدام علیه خویش، ناشی از بیماری روانی بوده یا خیر؟ در صورت پاسخ مثبت، محل بحث، علم روانشناسی است، در غیر این صورت، حقوق کیفری می تواند نسبت این موضوع ورود کرده و پاسخ های مناسب را اتخاذ نماید. پس ملاک اصلی در این خصوص، عنصر روانی است. در نتیجه ملاک عینی برای تشخیص فعل خویش آزاری، احراز این نکته است که شخص مرتکب نسبت به فعل قاصد و عالم بوده است یا خیر؟ کشف این موضوعات، بدو در گرو تایید سلامت عقل و عدم وجود بیماری از سوی کارشناسان (پزشکی قانونی) است و سپس از طریق ملاک های حقوقی نسبت به تایید وجود عنصر روانی اقدام می گردد. نکته اول اینکه، از نظر فقهی شخص عاقل در عمل بین آثار زبان بار و سودمندی فعل، موازنه برقرار می نماید؛ بنابراین چنانچه مرتکب عاقل بوده و رفتار ارتكابی از نظر عقلاً نوعاً منجر به آسیب گردد، می توان نتیجه گرفت که مرتکب علم به اثر فعل داشته و چنانچه مرتکب ادعا نموده که علم به اثر فعل نداشته است، شبهه طرح شده از سوی وی بایستی شبهه محتمله باشد؛ یعنی نسبت به نظیر او محتمل بوده باشد؛ در این صورت، حسب مورد، بایستی به عقلاً و متخصصان رجوع نمود. نکته دوم، قصد، امری درونی و باطنی است. در حقیقت فعل نفس است نه فعل جوارح، در عین حال قاضی برای استحقاق مجازات مرتکب باید قصد وی را در ارتكاب فعل احراز کند. وقتی ذات امر

(قصد) ظاهر نیست پس باید چیز یا چیزهای دیگری از وجود آن پرده بردارد. انسان عاقل مختار غیر مکره، به حکم عقلش فعلی را انجام نمی‌دهد مگر برای حصول اثری که بر آن فعل مترتب است. از این رو اگر عاقلی با علم به اثر فعلی آن را انجام داد، این علم به اثر فعل و انجام فعل پرده از آن بر می‌دارد که وی فعل را با قصد حصول اثر آن انجام داده است یعنی خواستار حصول اثر فعل بوده است. (سرخوش، حطمی، ۱۴۰۰، ص ۷۰)

شکل: تفاوت های

شکل: تفاوت های الگاریتمی خویش آزاری عمدی

لذا بنا به آنچه گفته شد، با در نظر گرفتن معیار وجود یا عدم قصد و نیت خودکشی، خویش آزاری دارای دو نوع فعل متفاوت است.

۱. خویش آزاری عمدی با قصد خودکشی

۲. خویش آزاری عمدی بدون قصد خودکشی

اثر حقوقی این تقسیم در واکنش های کیفی ظهور و بروز دارد. اعم از اینکه در مقام قانون گذاری باشد یا اعمال قانون. خویش آزاری بدون قصد خودکشی در واقع در برگیرنده نوعی رفتار مخاطره آمیز است که دارای درجه کمتری از آسیب می باشد؛ مانند رابطه جنسی مقعدی که به علت وجود پایه های عصبی زیاد در ناحیه مقعد در زن و مرد منتهی به درد بسیار زیاد می گردد. در رابطه جنسی مقعدی عوارض متعددی بروز می کنند که از جمله می توان به خونریزی کم یا زیاد در کانال مقعد و افزایش احتمال بیماری های عفونی، بروز مشکلات عدیده در گیرنده های احساسی موجود در کانال مقعد، آسیب های فیزیکی مثل پارگی بافت مقعد و راست روده اشاره نمود. (شریفی خضارتی، ۱۴۰۰: ۱۵۹) و همچنین یکی از مصادیق مهم خویش آزاری سقط جنین توسط مادر است. با توجه به دوران نه ماهگی بارداری، هر چه به اواخر این دروان نزدیکتر می شود، خطرات و عوارض سقط جنین برای مادر افزایش می یابد. این خطرات بسته به اینکه سقط جنین از نوع دارویی بوده یا جراحی و در چه هفته ای از بارداری رخ داده، متفاوت هستند. برخی از این عوارض عبارتند از: عفونت دستگاه تناسلی، آسیب به رحم و دهانه رحم، خونریزی شدید، شوک باکتریال، آسیب به اندام های داخلی، افسردگی، مشکل در تمرکز، کاهش انرژی، اختلال در خواب،

عفونت لگن، سقط ناقص، لخته شدن خون در رحم، بریدگی یا پاره شدن دهانه رحم، سوراخ شدن دیواره رحم و خطر مرگ. (افشار، ۱۴۰۲)

لکن خویش آزاری به قصد خودکشی فرایندی است که شخص به قصد انتحار مرتکب اعمالی می شود که در صورت عدم ممانعت، منجر به مرگ خود خواهد شد. لذا اعمال واکنش های کیفری در این خصوص، می بایست با در نظر گرفتن این موضوع باشد. چرا که حق حیات از اساسی ترین حقوق انسان هاست و برخی آن را شدیدترین صدمه بدنی به دلیل صدمه نهایی بودن، دانسته اند. (علیزاده، ۱۳۹۹: ۱۲۲)

۳. مصادیق خویش آزاری با قصد خودکشی

بررسی قوانین کشورهای اسلامی نشان می دهد که خویش آزاری به دو صورت مادی و معنوی مورد اشاره قرار گرفته است. نکته مهم در این مباحث توجه قانون گذار کشورهای مسلمان به مبحث خویش آزاری به عنوان یک جرم مستقل در مقابل سایر عناوین است. شباهت عنصر مادی جرم خودکشی و جرم خودزنی تداعی کننده تعدد معنوی است. اما تفاوت در به کارگیری لفظ خاصی مانند «الانتحار» یا «suicide» و عنصر روانی در مواد مربوطه وجه تمایز بین این دو جرم است.

رویکرد عمده در بین قوانین کیفری کشورهای اسلامی مورد بررسی، عدم جرم انگاری خویش آزاری از نوع با قصد خودکشی است ولی برخی از کشورهای اسلامی بر خلاف رویکرد مذکور، اقدام نموده اند. (ابراهیم المالک، ۲۰۲۱: ۱۸) اثر حقوقی این موضوع زمانی آشکار می گردد که عنوان مجرمانه خودکشی لحاظ شود و شخصی موفق به خودکشی نشود، بنابراین مشمول جرم ناقص شده و تحت عنوان شروع به جرم قابل پیگیری است؛ در حالی که، اگر عنوان خودزنی مانند ماده ۴۴ قانون شماره ۵۸ کیفری نظامی اردن مصوب ۲۰۰۶ میلادی^۱ باشد، جرم تام محقق شده است (عنان، ۲۰۱۸: ۷۵) و عنصر مادی متفاوتی خواهد داشت و از دسته بندی فوق خارج خواهد بود.

۱. قانون العقوبات العسكري الأردني رقم ۵۸ لسنة ۲۰۰۶. [النسخة العربية] (در فهرست تنها یک عنوان هست با رقم ۱۶ و سال ۱۹۷۶ بررسی و اصلاح شود)

موضوعی که در این باره مطرح می باشد، این است که برخی از قانون گذاران کشورهای مسلمان اقدام شخص علیه خود را به صورت فیزیکی (مادی) مورد حکم قرار داده اند. ماده ۱۶۵ قانون مجازات برونئی مصوب سال ۲۰۱۳ میلادی^۱ و قانون مجازات کشور مالزی مصوب ۲۰۱۸ میلادی در ماده ۲۳۰۹، خودکشی را تا یکسال حبس و جزای نقدی یا هر دو قابل مجازات می داند. در گزارشی در سال ۲۰۱۳ در کشور نیجریه بیش از ۳۰۰ نفر به علت اقدام به خودکشی از طریق پرتاب از قطار توسط شرکت راه آهن نیجریه به دادگاه معرفی و به مجازات محکوم شده اند. (Adinkrah, 2016: 284)

اغلب کشورهای اسلامی در خصوص اقدام به خودکشی افراد به وسیله مباشرت معنوی، قوانین خود را در قالب احکام مربوط به معاونت سازماندهی کرده اند. بند الف ماده ۱۱۳ قانون مجازات مالدیو مصوب ۲۰۱۴ میلادی^۲ و قانون مجازات برونئی در قسمت انتهایی ماده ۱۶۶ قانون مجازات خود مصوب سال ۲۰۱۳ میلادی، برای افرادی که به سن تکلیف نرسیده اند در ارتباط با تحریک به خودکشی، مجازات قائل شده است. قانون مجازات مالزی در ماده ۳۰۵ تحریک به خودکشی کودکان زیر ۱۸ سال و افراد فاقد قدرت تمیز و درک مثل مست، سفیه یا دیوانه را در صورتی که صدمات منجر به خودکشی شود، مرتکب به مجازات اعدام یا حبس تا بیست سال و جریمه نقدی محکوم نموده است. قانون مجازات شماره ۱۲ کشور یمن مصوب ۱۹۹۴ در ماده ۲۶۹ در خصوص شخصی که موجب خودکشی دیگری شود، مجازات دو تا ده سال را در نظر گرفته است. قانون مجازات اندونزی مصوب ۲۰۲۳^۳ صرفاً مجازات معاونت در خودکشی را در ماده ۴۶۲ به مدت چهار سال حبس در نظر گرفته است.

^۱ . laws of BRUNEI Penal Code ,SYARIAH PENAL CODE ORDER, 2013.

^۲ . Laws of MALAYSIA Act 574 PENAL CODE As at 1 February 2018.

^۳ . Maldives penal code LAW NO 6/2014.y

^۴ . عدل بموجب القرار الجمهوریة الیمنیة رقم (۱۶) لسنة ۱۹۹۵م بتعديل المادة رقم (۴۰) من القرار الجمهوری بالقانون رقم (۱۲) لسنة ۱۹۹۴م بشأن الجرائم والعقوبات، قرار جمهوري بالقانون رقم (۱۲) لسنة ۱۹۹۴م، بشأن الجرائم والعقوبات.

^۵ . Law Of The Republic Of Indonesia Number 1 OF 2023 ON CRIMINAL CODE.

قانون گذار ایران با در نظر گرفتن نظریه سیستم مجرمیت مستقل و به منظور پر نمودن خلا قانونی ناشی از بی کیفر ماندن برخی از صور خاص معاونت در خودکشی در سال ۱۳۸۸ در قانون جرایم رایانه ای اقدام به جرم انگاری معاونت در خودکشی از طریق وسایل سیستم های رایانه ای، سیستم های مخابراتی نمود. بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ و الحاق قانون جرایم رایانه ای با آن ماده فوق به ماده ۷۴۳ تغییر شماره داد. در بند «ب» این ماده آمده است: «چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می شود.» بنابراین به نظر می رسد که این یک جرم خاص مستقل است، که تحقق آن حتی نیاز به رخ دادن خودکشی ندارد. البته جا داشت که مقنن، بدون توجه به وسیله ارتکاب، این عمل را به طور مطلق جرم انگاری نماید. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶، ص ۶۹)

در ادامه سیاست های حمایتی، قانون گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در ماده ۱۴ بیان می دارد: «هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می شود: الف) هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب) هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ) هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.»

در تحلیل ماده فوق نکته اول اینکه، در قسمت ابتدایی ماده صحبت از مجازات حدی و قصاص می باشد. این قسمت از ماده اشاره به مباشرت معنوی دارد. مباشر معنوی کسی است که دیگری (مجری) را برای اجرای عمل مادی مصمم می کند ولی خودش آن را انجام

نمی دهد. مباشر معنوی، سبب فکری عمل مادی انجام شده به دست شخص دیگری است. او به واسطه شخص دیگر، عمل ممنوع را انجام می دهد. (ادیب، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷) در این مورد می توان بیان کرد که هر کس، کودکی را در فرایندی قرار دهد که منجر به خودکشی وی شود، در صورت احراز شرایط قصاص، به قصاص محکوم می شود. زیرا طفلی که مرتکب خودکشی شده است، ابزاری در دستان مباشر معنوی می باشد. این قسمت در واقع با موادی از قوانین مجازات کشورهای اسلامی که مجازات مشدد را برای اطفال بزه دیده در جرم خودکشی در نظر گرفته اند، تطبیق می کند. نکته دوم اینکه، به کارگیری یک منطق فازی که در آن بر اساس رفتار مجرمانه، قانون گذار نسبت به مجازات بزهکار اقدام می نماید، در قسمت های الف، ب، ج قابل مشاهده است. نکته سوم اینکه، به نظر می رسد با توجه به اینکه اشخاص مورد حمایت در قانون، اطفال و نوجوانانی هستند که دارای ویژگی خاصی به لحاظ روحی و جسمی می باشند، نیازمند حمایت کیفری جدی تری هستند چرا که علاوه بر پیشگیری در خصوص اشخاص مرتکب، به نحوی برای سایر افراد نیز بازدارندگی ایجاد نماید. به نظر می رسد در بند الف ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، قانون گذار می بایست در خصوص اطفال غیرممیز شدت عمل بیشتری اتخاذ می نمود. عدم توجه به این تفکیک باعث شده است، در برخورد میان طیف سنین زیر ۱۸ سال، مجازات مقرر قانونی یکسان اعمال شود. این در حالی است که، قانون گذار در یک سیاست کیفری عادلانه و منصفانه، حداقل در حمایت از اطفال با سن زیر ۱۵ سال، می بایست طیف های مختلفی از مجازات را در نظر می گرفت که مبتنی بر اهداف قانون گذاری (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان) هماهنگی داشته و هر چه سن طفل کمتر باشد، شدت مجازات و سختگیری بیشتر می شد. نکته چهارم در خصوص بند الف اینکه، با توجه به بند ب ماده یک، نوجوانان را دارای سن ۱۵ تا ۱۸ سال می داند. بنابراین دارای سن بلوغ هستند، به نظر می رسد با عنایت به اینکه قانون گذار در بند الف ماده ۱۴ قصد شدت عمل دارد، می بایست بین بزه دیدگی اطفال و نوجوانان تفاوت قائل می شد و اجتماع آن در این بند به نظر می رسد با منطق پیش گفته، دارای انسجام مناسبی نمی باشد. نهایتاً اینکه، با توجه به اینکه وجه حمایتی این قانون، بر تمامی مواد آن احاطه داشته، به نظر می رسد با

توجه به بندهای ب و ج، به خصوص بند ج که مشمول مجازات های جایگزین حبس نیز خواهد شد، می بایست علاوه بر مجازات، تدابیر دیگری از سوی قانون گذار اتخاذ می گردید که جنبه بازدارندگی بیشتری ایجاد می نمود.

نهایتاً اینکه، در قوانین جزایی ایران خودکشی جرم نبوده [و حکم خاصی در این خصوص وجود ندارد] زیرا اعمال کیفر نسبت به خودکشی کننده، واجد جنبه پیشگیری نیست و هر نوع عکس العمل قانونی موجب لطمه مادی فامیل و بستگان وی خواهد شد. (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۵۴؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۶۹) از همین منظر در قوانین ایران برای خودکشی تعریف مشخصی ارائه نگردیده است. بنابراین حقوق کیفری ایران بر خلاف کشورهای اسلامی که مصادیق خویش آزاری با قصد خودکشی را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن جرم انگاری نموده اند، نسبت به جرم انگاری اقدامات عمدی شخص علیه خود اقدام ننموده است و در نتیجه واکنش کیفری یا غیر کیفری در این خصوص متصور نیست. موضوعی که خلاء قانونی آن به جد از سوی محققین مورد توجه است چرا که علاوه بر آثار منفی حقوقی، ابعاد، فردی، خانوادگی، اجتماعی و روانی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

۴. مصادیق خویش آزاری بدون قصد خودکشی

صورت های افعال مجرمانه در قوانین کشورهای مختلف وجود دارد که از جمله مصادیق خویش آزاری بدون قصد خودکشی است. این افعال از سوی مرتکبین به قصد لذت، کنجکاو و یا خشنود کردن شریک جنسی و غیره صورت می گیرد.

۴-۱. زنا از دُبُر و لواط

یکی از مصادیق خویش آزاری در قوانین کشورهای اسلامی انجام فعل زنا از دُبُر و لواط است. این دو فعل در برخی از کشورهای اسلامی منبعث از فقه، مورد جرم انگاری در قوانین جاری آن ها قرار گرفته است.

در خصوص وقوع جرم زنا در وضعیتی که شخص عاقل و بالغ و اراده بر وقوع فعل دارد، در صورت انجام فعل با رضایت از دُبُر، آیا می تواند نوعی از خویش آزاری باشد؟ همین سوال

در خصوص جرم لواط نیز مطرح است. به بیان دیگری، هر چند در این موارد با شخص نابالغ و یا فریب خورده با شرایط قانونی لازم برای وقوع فعل قانونی روبرو نیستیم اما به نظر می‌رسد که خویش‌آزاری در این دو عنوان مجرمانه با در نظر گرفتن شیوه وقوع فعل، محقق است.

در حقوق کیفری ایران در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در تعریف زنا آورده است: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد» و در تبصره یک، در تعریف جماع (نزدیکی) و تعیین معیار بیان کرده است: «جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود». در تحلیل موضوع خویش‌آزاری در بزه زنا به دو مولفه بایستی توجه نمود اولاً مفهوم رضایت بزه دیده (زن) ثانیاً نوع نزدیکی (نزدیکی از دبر).

چالش مهم در دو گزاره فوق به مفهوم رضایت بر می‌گردد. برخی معتقدند که از منظر قانون، رضایت یک زن به رابطه جنسی مفهومی مبهم است، چرا که رضایت در قانون دارای دو معنای متفاوت تحت عناوین رضایت واقعی و رضایت قانونی است. رضایت واقعی حالت و وضعیتی است که یک زن بدون شرایطی خاص و با انتخاب و تمایل خود وارد رابطه جنسی می‌شود، اما در رضایت قانونی، رضایت تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که رابطه جنسی در چارچوبی واقع شود که شرایط آن را صلاحیت قضایی و قانون تعیین کرده است. (westen, 335: 2004) رضایت قانونی به مانند رضایت نابالغ در زناست، لکن بایستی در نظر داشت مفهوم رضایت در وقوع داشتن تمایل به انجام فعل ارتكابی است که با داشتن شرایط قانونی، عنوان بزه و مجازات را تغییر می‌دهد. لذا علی‌رغم تشکیک در مفهوم رضایت در وقوع جرم زنا از سوی برخی (صفایی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۶) با این حال ملاک مناسب در این خصوص می‌تواند اعتبار و ارزش ذهنی باشد. به این معنی که هر چقدر هم که رابطه جنسی به صورت اجباری و متجاوزانه انجام شده باشد باید دید آیا قربانی در اعماق ذهن خود نسبت به آن رضایت داشته یا خیر؟ در واقع، این تحلیل به ما نشان می‌دهد که اعتبار ذهنی عمل انجام شده نزد قربانی چه میزان بوده است. وقتی اعتبار ذهنی شاکی را به رسمیت بشناسیم می‌توانیم به این نتیجه برسیم که یک فرد ممکن است سرانجام

نسبت به رابطه جنسی رضایت داشته باشد اگر چه این رابطه در حالت اجبار صورت گرفته باشد. در واقع، برای تشخیص اینکه آیا انتخاب زن اصولاً آزادانه و مستقل بوده یا خیر، به نظر می‌رسد می‌توان رابطه مستقیمی بین منفعت در معرض خطر و میزان اجبار ضروری برای فاسد شدن رضایت در نظر گرفت: هر چه منفعتی که در معرض خطر قرار گرفته جدیدتر، مهمتر و بیشتر باشد باید با اعمال اجبار بیشتر از سوی مهاجم تهدید شده باشد تا بتوانیم بگوییم قربانی رضایتی نداشته است. (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

به مانند حقوق کیفری ایران، کشورهای موضوع تحقیق جرم زنا را با لحاظ شرایط قانونی مندرج در قوانین خود، زمانی محقق می‌دانند که «نزدیکی از قُبُل یا دُبُر» صورت گرفته باشد. ماده ۲۶۳ قانون عقوبات یمن مصوب ۱۹۹۴، ماده ۱۱ قانون ایالت کلانتان؛ ماده ۱۱ قانون ایالت کداح؛ ماده ۲۵ قانون ایالت سلانگور؛ ماده ۶۰ مصوبه ناظر بر امور کیفری شرعی ایالت نگری سمبیلان؛ ماده ۵۲ قانون ملاکا از کشور مالزی^۱، بند ۲۶ ماده ۱ قانون شماره ۶ جنایات استان آچه مصوب ۲۰۱۴، بند ۱ ماده ۶۸ قانون شرعی بروئی مصوب ۲۰۱۳ می‌توان به عنوان مثال نام برد.

لکن در خصوص جرم لواط در برخی از کشورهای مورد مطالعه با در نظر گرفتن نحوه ارتباط جنسی تفاوت‌هایی دیده می‌شود که نوع مجازات در این کشورها را متفاوت نموده است. به عنوان مثال، ماده ۲۶۴ قانون عقوبات یمن مصوب ۱۹۹۴ به تعریف لواط پرداخته و بیان می‌دارد: «لواط عبارتست از وطی انسان از پشت (دبر) خواه ملوط مذکر باشد یا مونث...»^۲ نکته ای که وجود دارد تأثیر نحوه رابطه جنسی در تغییر عنوان مجرمانه این قانون است. همچنین شایان ذکر است قانون استان آچه در بند ۲۶ ماده ۱ هر چند همسو با فقه شافعی حکم زنا را اعم از نزدیکی از قبل و دبر با زن می‌داند، لکن برای لواط میان مردان از موازین

۱. مقررات مزبور در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.esyariah.gov.my/portal/page/portal/Portal%20ESyariah%20BI/Portal%20ESyariah%20Carian%20Bahan%20Rujukan/Portal%20E-Syariah%20Undang-Undang>.

۲. «اللواط هو إتيان الإنسان من دبره، و يعاقب اللواط ذكراً كان أو أنثى، بالجلد و مائه جلده إن كان غير محصن...، و يعاقب بالرجم حتى الموت إن كان محصناً».

شافعیه عدول نموده و همسو با حنفیه در ماده ۶۳ با مجازات تعزیری حکم داده است.^۱ در مذهب حنفیه نزدیکی از دبر حتی اگر با زن نامحرم صورت گرفته باشد، تحت عنوان لواط قرار می‌گیرد و موجب تعزیر است. (محمد امین ابن عابدین، ۱۴۲۳: ص ۶ و ۳۸)

سوال دیگری که در همین ارتباط قابل طرح است این است که یکی از انواع خشونت، خشونت خانگی است (رسایی و امام، ۱۳۹۷: ۲۱) و از انواع خشونت خانگی، خشونت جنسی زوجین است. اصولاً مفهوم خشونت جنسی در چارچوب خانواده در بین زوجین، بایستی جرم انگاری شود یا خیر؟ و در صورتی که با میل و رضایت زوجه و با لحاظ اصل آزادی اراده، زوج مرتکب نحوی از ارتباط جنسی شود که موجود آسیب دیدگی زوجه شود، آیا اصولاً جرمی اتفاق افتاده است؟ و مرز جرم انگاری تا کجاست؟

خشونت جنسی به هر نوع رفتار غیراجتماعی گفته می‌شود که از لمس کردن بدن زن شروع شده و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی زن شدت می‌یابد. (کار، ۱۳۷۹) خشونت جنسی شامل برقراری رابطه‌ی جنسی خلاف خواست زن، مجبور ساختن به اعمال جنسی غیر معمول (مثل تماس با زور بین دهان و آلت مردانه و مقعد) و آزار و اذیت جنسی و ... می‌باشد. به تعبیر دیگر تماس جنسی اجباری با زن، به هر شکل و دلیلی که صورت گیرد، تجاوز تلقی شده و زیر نام خشونت جنسی قرار می‌گیرد. (منیر و دیگران، ۱۳۸۸) حال با فرض ارتباط جنسی خشونت آمیز، دو نوع رفتار قابل فرض است: در فرض اول، زوجه رضایتی به این نحو از رفتار نداشته است و منجر به آسیب جسمانی زوجه گردیده است. در این فرض با در نظر گرفتن قوانین موجود کیفری موضوع قابل پیگرد قانونی است. هر چند یکی از مهمترین مشکلات در این ارتباط وجود ادله اثبات دعوا می‌باشد، با این وجود می‌توان از طریق پزشکی قانونی و سایر قرائن و امارات نسبت به تعیین مجازات زوج اقدام نمود. به نظر می‌رسد در این موارد بر اساس مواد قانونی موجود، در صورت ورود آسیب جسمی به زوجه حسب مورد مشمول دیه یا ارش یا قصاص می‌باشد مگر رفتار، مشمول

¹. Setiap Orang yang dengan sengaja melakukan Jarimah Liwath diancam dengan 'Uqubat Ta'zir paling banyak 100 (seratus) kali cambuk atau denda paling banyak 1.000 (seribu) gram emas murni atau penjara paling lama 100 (seratus) bulan.

مندرج در ماده ۶۶۰ قانونی مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که استثنایی در رفتار زوجین است. در جهان معاصر امروز، خیلی از کشورها نسبت به جرم انگاری خاص تجاوز جنسی زوج به زوجه اقدام نموده اند. لذا مقررہ ای که بتواند ضمن رعایت حریم خانواده، نقش حمایتی را برای تأمین امنیت روانی خانواده ایفاء نماید، لازم و ضروری به نظر می رسد. در فرض دوم، زوجه رضایت به این ارتباط (مثلاً رابطه جنسی مقعدی) داشته است و منتهی به آسیب به زوجه گردیده است. بر این اساس، حسب ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نوع خاصی از آسیب به همسر قابل مجازات است. این ماده اشعار می دارد: «افضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است: الف- هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.

ب- هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد. تبصره - افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است.» نکته اول اینکه، در این ماده، نوع خاصی از آسیب به همسر (افضاء) را قانون گذار مورد توجه قرار داده است و در خصوص اعمال مجازات نسبت به زوج، صرفاً آن نحو از رفتاری که در ماده قانونی لحاظ گردیده را مشمول دانسته است و در صورتی که در ارتباط جنسی میان زوجین افضاء اتفاق بیافتد، مشمول هیچگونه مجازاتی نیست.

نکته دوم اینکه، در ظاهر، مفهوم مخالف در بند الف ماده مذکور این معنا را تداعی می کند که همسر به سبب مقاربت آسیبی را به زوج وارد کند مشمول هیچگونه مجازاتی نیست. اما بایستی در نظر داشت که این مقررہ صرفاً در خصوص افضاء است و سایر آسیب هایی که زوج طی رابطه جنسی به زوجه وارد می نماید را در بر نمی گیرد و در صورت آسیب به زوجه حسب مورد مشمول دیه و ارش می باشد. هر چند در این موارد (افضای همسر حین رابطه جنسی) با محدودیت های شرعی روبرو هستیم و فتاوی معتبر افضای همسر بالغ را مشمول دیه نمی داند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ص ۱۰۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۳۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ص ۵۱۲) لکن در این مسئله نبایستی سایر حقوق بزه دیده نادیده انگاشته شود. در تایید این نظر، امام خمینی معتقد است که بنابر

احتیاط مستحب نفقه تا زمان زنده بودن زوجه باید پرداخت شود. (خمینی، تحریر الوسيلة، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۴۱) لذا با توجه به مقتضیات زمان، جرم‌انگاری رفتاری که منتهی به آسیب جدی به همسر (ناشی از ارتباط جنسی) شود به نظر لازم می‌رسد. هر چند زنان جامعه ایرانی به علت حیا و شرم زنانه از بازگو کردن این موارد اجتناب می‌نمایند ولی باز خورد منفی اجتماعی ناشی از آن در جوامع امروزی بسیار قابل توجه است. لذا می‌توان در این خصوص، مجازات‌های تعزیری یا حداقل اقدامات تأمینی و تربیتی برای زوج در نظر گرفت. این خلاء قانونی هر چند ظاهراً از پشتوانه شرعی برخوردار است ولی نباید این توهم را به وجود آورد که این ماده خاص، مجوز هر گونه آسیب را به زوج می‌دهد بلکه مبتنی بر مواد قانونی به طور مثال، در صورتی که زوج در یک ارتباط جنسی هنگام التذاذ، سرخی یا کبودی ایجاد کند که رضایت زوجه در آن نباشد، مشمول دیه مقرر قانونی است.

نکته سوم اینکه به نظر می‌رسد در مقام تعیین ملاک برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات آسیب‌های متعددی که حاصل خشونت خانگی است اعم از روابط جنسی و غیر جنسی که رضایت زوجه در آن است، با توجه به قوانین کیفری موجود، مبتنی بر ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی است. در بند الف ماده مذکور حداقل مجازات آسیب رساندن به شخص که همان «سرخ شدن» موضع آسیب است، مشمول دیه مقدر دانسته است. لذا در صورتی که قانون‌گذار بخواهد رفتار ناشی از روابط خاص زوجین را مورد جرم‌انگاری قرار دهد، می‌تواند بر اساس ماده مذکور، افعالی که از ملاک فوق تجاوز نمایند را مشمول مجازات بداند و در تعیین مجازات، همان طور که در مطلب فوق نیز بیان شد، می‌توان به گستره زرادخانه مجازات‌های کیفری توجه نمود.

نکته چهارم اینکه، هیچ کدام از کشورهای مورد مطالعه به مانند حقوق کیفری ایران به صورت خاص خشونت خانگی را مورد جرم‌انگاری قرار نداده‌اند. تنها کشور مالزی در قانون شماره ۵۷۴ مجازات مصوب ۱۲۰۰۷ در ماده (a) ۳۷۵ نسبت به جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌رسان به زوجه اقدام نموده است.^۲

¹. penal code Act 574 Malaysia adopted on 7 September 2007.

². Husband causing hurt in order to have sexual intercourse

۴-۲. سقط جنین توسط مادر

مادری که دست به سقط جنین می‌زند قبل از اینکه حیات موجود دیگری را تهدید نماید، آثار زیان بار جسمی و روحی را نسبت به خود وارد می‌نماید. در بسیاری از نظام های حقوقی در جبران زیان های مالی [و غیر مالی] که از صدمه بدنی حاصل می‌شود، تردید نمی‌کنند. (میرشکاری، حسینی، ۱۴۰۳: ۲۰۵) بر اساس ماده ۲۴۰ قانون جرایم و مجازات ها مصوب ۱۹۹۴ کشور یمن در صورتی که مادر با رضایت اقدام به سقط جنین نماید، دیه آن حسب حالت های مختلف دیه غره یا دیه کامل است و در این خصوص مادر مرتکب جرم شده است و بایستی دیه را شخصاً بپردازد، مگر اینکه پزشک برای حفظ جان مادر این امر را اجازه داده باشد. دیه جنین غره به این معناست که دیه جنین قبل از تمام شدن خلقت آن بر حسب مراتب و مراحل (نطفه، علقه و مضغه) متفاوت است و هر مرحله دیه معینی دارد؛ (النجفی الجواهری، ۱۳۶۲: ۳۶۷) لیکن برخی قدما دیه جنین قبل از تمام شدن خلقت را غُره دانسته‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۱۲۵) منظور قانون‌گذار یمنی از حالت های مختلف مربوط به زمانی است که اگر کودک قبل از به دنیا آمدن سقط شود در این صورت با توجه به اینکه کودک در چه سنی بوده است حسب قوانین مربوط به دیه، مادر بایستی به پرداخت دیه اقدام نماید و اگر بعد از تولد، جنین زنده بوده و سپس از جدا شدن از مادر بمیرد در این صورت بایستی دیه کامل توسط مادر پرداخت شود. (حسن الصراری و اسماعیل عمر، ۲۰۲۱: ۱۲)

قانون مجازات الجزایر مصوب ۱۹۶۶^۱ در ماده ۳۰۹ به صراحت بیان می‌دارد: «زنی که عمداً جنین خود را سقط کند یا اقدام به آن کند یا بپذیرد که از طرفی که برای این امر به او دستور داده شده یا استفاده کند به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ دینار محکوم خواهد شد.» لذا در صورتی که مادر به صورت عامدانه اقدام به سقط جنین نماید او را مشمول مجازات دانسته است. (کامل، ۱۹۹۹: ۲۶) در ماده ۳۴۶ قانون

375A. Any man who during the subsistence of a valid marriage causes hurt or fear of death or hurt to his wife or any other person in order to have sexual intercourse with his wife shall be punished with imprisonment for a term which may extend to five years.

۱. القانون العقوبات الجزائرية السنة ۱۹۶۶ الميلادی

مجازات اندونزی نیز اعلام داشته زنی که عالمأ نسبت به سقط جنین اقدام نماید به چهار سال زندان محکوم می‌گردد.^۱

قانون مجازات مالدیو مصوب ۲۰۱۴ در ماده ۴۱۶۲ بیان می‌دارد، در صورتی که مادری بعد از ۱۲۰ روز از حاملگی نسبت به سقط جنین اقدام نماید یا دیگری را وادار نماید تا با استفاده از ابزار، مواد مخدر یا خشونت علیه خود به منظور سقط عمدی جنین اقدام نماید، مرتکب تخلف شده است و براساس قسمت «e» همین ماده، بزه از نوع جنحه درجه یک محسوب می‌گردد که بر اساس طبقه بندی ارائه گردیده در ماده ۹۱ به یک سال حبس یا کمتر از آن محکوم خواهد شد.

در حقوق کیفری ایران، اگر سقط جنین عمدی توسط مادر صورت پذیرد و مباشر خود مادر باشد به موجب ماده ۷۱۸ کتاب چهارم ق.م.ا. مادر فقط محکوم به پرداخت دیه می‌شود و خودش از آن دیه سهمی نمی‌برد (ماده ۷۱۸ کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) هرگاه زنی جنین خود را در هر مرحله‌ای که باشد به عمد، شبه عمد، یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌گردد، اگر زن به حاملگی خود علم نداشته باشد و عملی انجام دهد که منجر به سقط جنین شود بدون اینکه عمد، ناظر به آن باشد، سقط جنین عمدی محسوب نمی‌شود. (ربانی و نصیری، ۱۳۹۸: ۶) فلسفه جرم انگاری سقط جنین، حفظ حیات جنین می‌باشد ولی به نظر می‌رسد شخص نگهدارنده (مادر) از موضوع جرم انگاری به حاشیه رفته است. مسئولیت کیفری مادر در جایی که عامدانه خود را مورد آسیب قرار می‌دهد، فارغ از اینکه قصد وی از این عمل سقط باشد یا خیر؟ محل تأمل برای کمینه کیفری است. وابستگی جنین به مادر، مسئولیت مضاعفی ایجاد می‌نماید که بررسی‌های جرم انگارانه بایستی در

¹ . Seorang wanita yang sengaja menggugurkan atau mematikan kandungannya atau menyuruh orang lain untuk itu, diancam dengan pidana penjara paling lama empat tahun.

² . Section 416 - Abortion (a) Offense Defined. A person commits an offense if, after the first 120 days of the pregnancy: (1) ... (2) she purposely terminates her own pregnancy by using, or causing another person to use instruments, drugs or violence upon her for the purpose of terminating her pregnancy by means other than live birth.

نظر داشت. نوع وابستگی به نحوی است که در صورت تفکیک (مادر از جنین)، گاهاً آسیب نفسی و غیر نفسی به هر دو (مادر و جنین) وارد می‌گردد لذا به نظر می‌رسد التزام قانون-گذار از صرف تعیین دیه که بیشتر برای آسیب به جنین مورد جرم انگاری قرار گرفته است بایستی به این موضع تغییر نماید که حفظ سلامتی مادر، به عنوان اولین و مهمترین حامی جنین، مورد جرم انگاری قرار گیرد. مخصوصاً زمانی که خود مادر نقش مستقیم و عامدانه در آسیب رساندن به خود را دارد چرا که تا پایان مدت بارداری و حتی پس از بارداری حیات شخص دیگری به او وابسته است و عدم توجه به مسئولیت های ناشی از مادر بودن توسط مادر، آثار زیان باری را به همراه دارد. موضوع دیگری که قانون‌گذار کیفری بایستی مورد لحاظ قرار دهد، موقعیت مادری است که حامل جنین نامشروع (ناشی از زنا یا شبهه) است. در این گونه موارد به علت اینکه در غالب موارد به صورت پنهانی سعی در سقط جنین می‌باشد و مادر خود عامدانه سعی در این عمل دارد، به منظور جلوگیری از این عمل، لحاظ مجازات می‌تواند بازدارنده باشد و این خلاء که باعث آسیب جدی به مادر و جنین است را پر نماید. آنچه مورد توجه این جستار است موقعیت مادری است که عامدانه و آگاهانه و بدون دلیل شرعی و قانونی نسبت به آسیب به خود اقدام نموده است و در این حالت منجر به آسیب به خود و جنین شده است. نکته آخر اینکه، با فرض اینکه مادری سقط جنین نماید خواه جنین مشروع باشد یا نه، و مادر آسیبی نبیند آیا قانون‌گذار نسبت به این اشخاص نیز بایستی اقدام تنبیهی (مجازات) نماید یا خیر؟ نکته مهم این است که حفظ سلامتی اشخاص برای قانون‌گذار دارای اهمیت فراوانی است. شخصی که اقدام به سقط جنین می‌نماید خواه، ناخواه نسبت به خود اقدام نموده و خویش را در موقعیت خطر قرار می‌دهد تا جایی که ممکن است جان خود را به خطر بیندازد. پس صرف ضرر بالفعل نمی‌تواند فلسفه جرم انگاری این عمل باشد بلکه ضررهای بالقوه نیز وجود دارد که در این موضع بایستی لحاظ گردد.

۳-۴. خودزنی

«خودزنی» از جمله بارزترین مواردی است که در آن‌ها بزهکار و بزه‌دیده یک فرد واحد است. از دیدگاه اسلام، خودکشی حرام بوده و حرمت آن از نظر کتاب، سنت و اجماع

ثابت گشته و برای مرتکب آن کیفر اخروی وعده داده شده است (جعفرزاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۵۷) قوانین بسیاری وجود دارد در رابطه با این که اگر ضرری به دیگران وارد شد بایستی آن را جبران کرد. جرائمی چون قتل، سرقت، خیانت در امانت و تجاوز به عنف اعمالی هستند که با انجام آن‌ها توسط مرتکب به دیگران ضرر وارد می‌شود. به عبارت دیگر، تا دو طرف وجود نداشته باشد این جرایم شکل نخواهند گرفت و لازمه وجود این جرائم، عملی است که فرد علیه دیگری مرتکب می‌شود؛ ولی کمتر میان قوانین مشاهده می‌شود که مسئله‌ای تحت عنوان اضرار به نفس مطرح شود، حال آن که حکم این مسئله توسط شارع مقدس بیان شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۶۵ به امکان جنایت بر خویش تسری کرده است؛ لکن با توجه به عدم ثبوت ضمان دیه یا قصاص در جنایت بر خویش، قانون‌گذار در مواد ۲۹۰ به بعد همین قانون، متعزز این فرض نشده است، زیرا مواد مذکور ناظر به جنایاتی است که موجب ضمان دیه یا قصاص است. بنابراین، هرگاه کسی به هر نحو، بر خود جنایتی وارد سازد هیچ کس - نه بستگان وی و نه عاقله یا بیت المال - ضامن نخواهد بود؛ چراکه اولاً، جنایت مستند به خود اوست و ثانیاً، ضمان دیگران مانند عاقله و بیت المال، استثنائی است که در شرایط خاص، به موارد جنایت بر دیگری محدود شده است. عدم ثبوت قصاص و دیه در جنایت بر خویش، مانع جرم شناختن خودکشی یا خودزنی نخواهد بود هر چند قانون‌گذار درباره جرم انگاری خودکشی و یا جرح بر خویش - مگر در موارد خاص - سکوت کرده باشد. (غفاری مجتبی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۳) یکی از مصادیق خویش آزاری، خودزنی با قصد غیر خودکشی است. به این معنا که شخص با نیت و انگیزه‌هایی مثل کسب پول، معافیت از خدمت نظام وظیفه و... اقدام به خودزنی می‌نماید. حسب بند «الف» قانون مجازات نظامی یمین^۱، بند ۴ ماده ۷۲ قانون مجازات نظامی برونتی^۲، ماده ۸۰ قانون مجازات نظامی مالزی^۳ نسبت به جرم انگاری خودزنی و خودکشی به قصد فرار از خدمت اشاره شده است. در حقوق

۱. قانون رقم (۲۱) لسنة ۱۹۹۸م بشأن الجرائم والعقوبات العسكرية الجمهوریه الیمینیه.

۲. Chapter 149 Royal Brunei Armed Force ACT(LAWS OF BRUNEI)1983.

۳. Act 77 Armed Force ACT(LAWS OF MALAYSIA)

کیفری ایران، بر اساس ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب بهمن ۱۳۸۲)، چنانچه نظامی به منظور «فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسبتر و یا کسب امتیازات دیگر» عامدانه به خود صدمه بزند مشمول این ماده خواهد بود. علاوه بر مقرر فوق، حسب مواد ۶۱ قانون «بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب سال ۱۳۹۵ و ۹۷ قانون «بیمه تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۵۴ نیز در قالب کلاهبرداری اقداماتی که با صحنه سازی (مثلاً خودزنی در تصادفات صوری) اقدام به جرم انگاری نموده است.

در نظام حقوقی ما نیز هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه ی شماره ی ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰ برای پایان دادن به اختلاف نظرها، نظریه ی دوم را اختیار نمود. بنابراین از نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور عام لاحق، خاص سابق را نسخ نمی کند. بدین لحاظ ماده ی ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ که خاص و مقدم بر ماده ۱ قانون تشدید است، قانون مصوب ۱۳۶۷ را تخصیص می زند. به دیگر سخن ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی به اعتبار خود باقی است و تمام ارکان جرم استفاده ی متقلبانه از مزایای بیمه ای از ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی تبعیت می کند. در رابطه با نسبت ماده ۱ قانون تشدید با ماده ۶۱ قانون بیمه ی اجباری شخص ثالث نیز با توجه به زمان تصویب ماده ۶۱ که در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است ماده ۱ قانون تشدید بر قانون بیمه حکم فرما نیست؛ زیرا مقنن با علم به وجود قانون تشدید مجازات و عناصر استفاده متقلبانه از مزایای بیمه را به قانون مزبور ارجاع نداده است. (خالقی، سیفی یتاق، ۱۴۰۰، ۵)

حال سوال این است که آیا تصادفات ساختگی موضوع ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، به عنوان جرم انگاری خاص می باشد یا اتهام شروع به کلاهبرداری از بیمه یا افترای عملی یا تخریب، در فرض خسارت به خودروی طرف مقابل نیز، بر آن صدق می کند و موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می باشد؟

سوال دیگر اینکه، از حیث مجازات موضوع ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری، جایی که مرتکبین موفق به دریافت وجه گردیده اند، حبس درجه ۶ تعیین گردیده، و در صورت عدم توفیق

در دریافت وجه از بیمه، علاوه بر جزای نقدی درجه ۵، مجازات شروع به جرم فوق نیز برای ایشان در نظر گرفته شده است، حال آنکه شروع به جرم جرایم صرفاً تا درجه ۵ جرم انگاری شده و جرم تام ماده ۶۱ حبس درجه ۶ می‌باشد. لذا مجازات مرتکبین به چه صورت خواهد بود؟ قبل از تصویب قانون بیمه اجباری مصوب سال ۱۳۹۵ با توجه به اینکه قانون سابق در خصوص تصادفات ساختگی ساکت بود مرتکبین به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مجازات می‌شدند، اما بعد از سال ۱۳۹۵ با تصویب قانون جدید، به نظر می‌رسد قانون‌گذار تصادف ساختگی را جرم انگاری خاص نموده و در واقع قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری را که یک قانون عام می‌باشد تخصیص نموده و با وجود قانون خاص نباید به قانون عام استناد کرد. لذا به نظر می‌رسد خواسته قانون‌گذار بر این امر بوده که با عنایت به اینکه مرتکبین این جرم معمولاً از اقشار ضعیف جامعه می‌باشند، رویکرد ملایم تری از باب مجازات نسبت به آن‌ها داشته باشد. همچنین، موضوع مشمول تعدد معنوی و تبصره یک ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد و در تصادف ساختگی نتایج مجرمانه متعدد حاصل نمی‌گردد، بلکه خواست قانون‌گذار این بوده است که همه جرایم فوق با در نظر گرفتن شرایط مندرج در ماده ۶۱، تصادفات ساختگی از مصادیق جرم اخیرالذکر باشند. اما در خصوص رد مال با عنایت به اینکه ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ ساکت است به نظر می‌رسد مستلزم ارائه دادخواست مطالبه خسارت از سوی شرکت بیمه‌گر یا صندوق تأمین یا شخصی که دیه را پرداخت نموده است می‌باشد و در خصوص شروع به جرم نیز با عنایت به اینکه اساساً مجازات آن درجه ۶ می‌باشد و در شروع با آن با عنایت به اینکه در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی اساساً برای شروع به جرایم تعزیری مستوجب حبس درجه ۶، مجازاتی تعیین نشده است، حبس منتفی است و مرتکبین صرفاً به جزای نقدی درجه ۵ محکوم می‌گردند و در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۹۶۴/۹۲/۷ مورخ ۲۶/۰۵/۱۳۹۲ نیز موید این مطلب می‌باشد.^۱

۱. با توجه به اینکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام ایجاد نظم خاصی برای مجازات شروع به جرم است لذا در تمام مواردی که مشمول ماده ۱۲۲ قانون مذکور است مجازات‌هایی به شرح بندهای ذیل این ماده

نتیجه گیری

خویش آزاری از جمله پدیده‌هایی است که مورد توجه جامعه شناسان، حقوق دانان، جرم شناسان و روان شناسان بوده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد، در تمایز مفهوم خویش آزاری در حقوق کیفری از سایر علوم، ملاک تعیین کننده عنصر روانی است. در جرایم مبتنی بر قانون موضوعه در اثبات رکن روانی جرایم عمدی از تأسیس فروض قانونی به ضرر متهم خودداری شده است. در قلمروی کیفری به جهت حاکمیت اصول و قواعد ویژه ای که در راستای تضمین حقوق متهمین می باشد به راحتی به واسطه ظواهر اجازه نادیده گرفتن اصول نسبت به متهمین منکر قصد، نداده است؛ از این رو پیشنهاد می شود با لحاظ موازین فقهی در اثبات سوء نیت، ملاک قول متهم باشد مگر آنکه امارات و قراین خارجی به گونه ای باشند که قاضی را نسبت به وجود علم و قصد در متهم به علم برساند. خویش آزاری، فعلی است که مرتکب در انجام آن دارای انگیزه های متفاوتی است و آثاری که از این اقدام بر شخص و خانواده و جامعه می گذارد گاهی بسیار شدید است. لذا اهمیت جرم انگاری پدیده خویش آزاری به عنوان فعلی مستقل از مصادیق مطروحه در این پژوهش، لازم به نظر می رسد. از آنجا که غالباً افعال انسان عاقل در پی حصول هدف و فایده ای است در نتیجه خویش آزاری را در قالب جرایم مانع، قابل دسته بندی است. از این جهت بایستی با در نظر گرفتن قصد و نیت و انگیزه های مرتکب و نیز با استفاده از زرادخانه مجازات کیفری و یا اقدامات تأمینی-تربیتی نسبت به اصلاح رفتار این گونه افراد اقدام نمود.

تعیین نموده است همچنین با توجه به لزوم یکسان سازی نحوه رسیدگی به امور قضایی که در بند ۷ سیاست های کلان مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است و با توجه به ماده ۷۲۸ قانون مزبور در خصوص لغو کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون، به نظر این اطلاق شامل کلیه قوانین و مقررات خاص و عام در خصوص موضوع سوال است زیرا چنانچه قائل به عدم فسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزایی در خصوص تعیین مجازات شروع به جرم باشیم، شاهد تفاوت و شدت و ضعف میزان مجازات و عدم تناسب آن خواهیم بود در نتیجه کلیه مقرراتی که در قانون به طور خاص برای شروع به جرم مجازات تعیین شده است با تصویب و لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملغی و مجازات شروع به جرم در تمام جرائم مطابق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رعایت ماده ۱۰ همان قانون تعیین می شود.

رویکرد حقوق کیفری ایران به مانند سایر حقوق کیفری کشورهای اسلامی، نسبت به جرم انگاری مصادیق خویش آزاری اقدام نموده است ولی در این میان تفاوت هایی در جرم انگاری افعال ارتكابی و نوع واکنش های کیفری و غیر کیفری به جهت ملهم بودن خاستگاه قانون گذاری کشورهای اسلامی قابل احصاست. عمده تفاوت در جرم انگاری شروع به خودکشی است که از سوی قوانین کشورهای موضوع مطالعه، مورد جرم انگاری قرار گرفته است ولی در حقوق کیفری ایران مورد بی توجهی قرار گرفته است. رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به اعمال سیاست جنایی و کیفری مصادیق خویش آزاری، ناقص به نظر می رسد. این در حالی است که جنبه های حمایتی از این گروه از اشخاص (برخی از اشخاص خویش آزار) در قوانین بایستی به صورت صریح ذکر شود چرا که بدون وجود قوانین واضح و آشکار، شائبه دخالت در حریم خصوصی اشخاص قابل تصور است. حقوق کیفری ایران در اعمال سیاست های کیفری در خصوص خویش آزاری از رویکرد سنتی خود بایستی فاصله گرفته و در اعمال مجازات، شدت بیشتری نشان دهد به طور مثال در جرم خودزنی منتهی به کلاهبرداری از بیمه ها، بایستی رویکرد تنبیهی متناسبی اتخاذ نمود که منجر به بازدارندگی در مجرمین و سایر اشخاص جامعه گردد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. ابراهیم المالك، عبدالله عبدالعزيز (۲۰۲۱)، جریمة التحریض أو المساعدة على الانتحار في القانون القطري دراسة مقارنة إعداد، الرسالة درجة الماجستير في القانون العام، جامعة قطر كلية القانون.
۲. افشار نازنین، (۱۴۰۲)، عوارض و خطرات سقط جنین،
<https://doctoreto.com/blog/complications-risks-abortion>.
۳. جعفرزاده، جعفر، آری، محمود، ابوالحسینی، علی اکبر، و علی تبار فیروزجایی، محمد باقر. (۲۰۱۶). ادله حرمت خودکشی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران، تحقیقات فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، ۱۳ (۴۹)، ۵۷-۷۰.
۴. جعفری مجتبی (۱۳۹۴)، تحلیل انتقادی مرزهای رضایت در جرم تجاوز جنسی: حقوق موضوعه و ضرورت‌های اصلاح آن، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۱۳-۱۲۷.
۵. حسن الصراري صادق صالح، أحمد إسماعیل عمر، (۲۰۲۱)، أحكام جريمة الإجهاض في الفقه الإسلامي والقانونين اليمني والسوداني، مجلة الأندلس للعلوم الإنسانية والاجتماعية العدد (۴۳) المجلد (۸).
۶. خالقی، علی، سیفی قره یثاق، داود، (۱۴۰۰). استفاده متقابلانه از مزایای بیمه در پرتو نظام کیفری ایران (مقایسه قانون تامین اجتماعی با قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۴)، دایره المعارف حقوق اقتصادی، ۲۸ (۱۹)، ۱-۳۶.
۷. خمینی روح الله (۱۴۲۱ق)، تحریر الوسیله، ج ۱، ۲، قم: دارالعلم.
۸. ربانی موسویان، سید علی، نصیری رقیه (۱۳۹۸)، بررسی و بازنگری مقصود از واژه قصاص در ماده ۶۲۲ کتاب پنجم قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ از منظر فقهی، مطالعات فقهی و فلسفی، ۳۹ (۱۰).
۹. رسایی محمد، امام سید محمدرضا (۱۳۹۷)، بررسی فقهی حقوقی خشونت در مواجهه با زنان ناشزه، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲ (۲)، ۲۱-۴۲.
۱۰. سرخوش جواد، حاتمی ایمان. (۱۴۰۰). ملاک احراز علم به وقوع نتیجه در قتل عمدی، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۲ (۲۵)، ص. ۷۰.
۱۱. شریفی خضارتی (۱۴۰۰)، دیگر آزاری- خودآزاری (تحلیل و توصیف جرم شناختی فقهی)، تهران، سبز نوین، چاپ اول.
۱۲. شیخ طوسی (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

۱۳. صفایی سعیده، شاکری گلپایگانی طوبی، فرجیها محمد، اسدی لیلاسادات (۱۴۰۲)، تفسیرهای قضایی از مفهوم «رضایت» در تجاوز جنسی؛ تحلیل محتوای پرونده‌های ایران و نیوزیلند، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره چهارده، شماره ۱، صفحات ۱۴۳-۱۷۰.
۱۴. طباطبایی یزدی (۱۴۱۹ق)، العروه الوثقی، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. علامه حلی (۱۴۱۳ق)، القواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۸. ۳، قم: جماعت المدرسین فی حوزه العلمیة القم. مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۶. علیزاده حمید (۱۳۹۹)، واکنش کیفری به قتل عمد در تمدن بین النهرین، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۳)، ۱۱۹-۱۴۴.
۱۷. عنان جمال الدین (۲۰۱۸)، المساعدة الطیبه علی الانتحار، مجله الحقوق والحریات فی الانظمه المقارنه، العدد السادس.
۱۸. غفاری مجتبی، (۱۴۰۲)، تحلیل حکم خودکشی در حوزه فقه و مبانی حقوقی، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق، دوره ۱۵، شماره ۳۱.
۱۹. القانون الجزاء العماني الصادر بالمرسوم السلطاني رقم ۷ لسنة ۲۰۱۸ میلادی.
۲۰. القانون العقوبات الأردني رقم ۱۶ لسنة ۱۹۷۶ میلادی.
۲۱. القانون العقوبات الجمهوریه الجزائریه الديمقراطيہ الشعبيہ رقم ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ میلادی.
۲۲. القانون العقوبات الجمهوریه التونسيہ مصوب سال ۱۹۱۳ میلادی.
۲۳. القانون العقوبات العراقي رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹ میلادی.
۲۴. القانون العقوبات سوری رقم ۱۴۸ لسنة ۱۹۴۹ میلادی.
- ۲۵.
۲۶. کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. [به فارسی]
۲۷. کامل السعید، (۱۹۹۹)، الجرایم الواقعه الی الانسان «شرح القانون العقوبات الاردنی»، دارالثقافه للنشر و التوزیع، عمان، الاردنی.
۲۸. کهندانی محسن، رضوی فرد بهزاد (۱۳۹۹)، تضمین‌های حقوق شهروندی متهمان جرایم تروریستی در مرحله تحقیقات، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و مصر، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۷)، ۱۵۷-۱۸۷.
۲۹. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۶)، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. محقق حلی (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، ج ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۳۱. محمد امین بن عابدین، رد المحتر علی الذر المختار، ج ۱، ص ۱۳۸، ۶، (ریاض: دارعلم الکتب، ۱۴۲۳ق)، ص ۶ و ۳۸.
۳۲. منیر، محمد داود، بادغیسی سیمه، صالحی عبدالکبیر، کاوه علی احمد (۱۳۸۷). خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۳۳. میرشکاری عباس، حسینی فاطمه سادات (۱۴۰۳)، نقد یک رای در زمینه زبان‌های ناشی از تولد فرزند بیمار، مطالعه تطبیقی حق بر نبودن و جبران خسارات وارد بر آن، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۶(۲۱)، ۱۸۷-۲۲۰.
۳۴. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶)، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ یازدهم.
۳۵. النجفی الجواهری محمدحسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

References

1. Adinkrah., M. (2016). Anti-Suicide Laws in Nine African Countries: Criminalization, Prosecution and Penalization, African Journal of Criminology and Justice Studies: AJCJS, Vol.9, Issue 1.
2. Afshar Nazanin, (1402), complications and risks of abortion, <https://doctoreto.com/blog/complications-risks-abortion>. [in Persian]
3. Alizadeh, H. (2020). Criminal Reaction to Intentional Homicide in Mesopotamian Civilization. Journal of Research and Development in Comparative Law, 3(8), 119-144. doi: 10.22034/law.2021.520943.1001 [in Persian]
4. Allameh Hali (1413 AH), Al-Qasas al-Ahkam, vol. 1, p. 138. 3, Qom: Jamaat al-Mudrasin fi Hoza al-Elamiya al-Qom. Islamic Publications Institute. [in Arabic]
5. Al-Najafi Al-Jawaheri Mohammad Hassan (1362), Jawaharlal Kalam in the Explanation of Islamic Laws, Vol. 43, 7th edition, Beirut, Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]
6. Alper., C., & Peterson, S. (2001). Dialectic behavior therapy for patients with borderline personality disorder. Journal of Psychosocial Nursing, 39(10), 38-45.
7. Al-Qunun Al-Naz'az Al-Omani issued by Royal Decree No. 7 of 2018 AD. [in Arabic]

8. Anan Jamal al-Din (2018), al-Masadeh al-Tabiyyah against suicide, Journal of Rights and Freedoms in al-Anzama al-Maqarana, issue 6. [in Arabic]
9. Beasely., S. (2000). Deliberate self-harm in medium security. Nursing Management, 6(8), 29-33. Bockian, N. (2002). New hope for people with borderline personality disorder. Roseville, CA : Prima Publishing.
10. Bockian., N. (2002). New hope for people with borderline personality disorder. Roseville, CA : Prima Publishing.
11. Conaghan., S., & Davidson, K. (2002). Hopelessness and the anticipation of positive and negative future experiences in older para suicidal adults. [Electronic version]. British Journal of Clinical Psychology, 41(3), 233-243.
12. Crowe., M., & Bunclarck, J. (2000). Repeated self-injury and its management. International Review of Psychiatry, 12(1), 48-53. Criminal Code of the Republic of Kazakhstan of July 3, 2014 No. 226-V ZRK .
13. Favazza., A. (1998). The coming of age of self-mutilation. Journal of Nervous and Mental Disease, 185(5), 259-268.
14. Ghafari Mojtabi, (1402), Analysis of the suicide sentence in the field of jurisprudence and legal foundations, Fiqh and Law Studies Quarterly, Volume 15, Number 31. [in Persian]
15. Goldouzian, Iraj, (2016), Special Criminal Law, Tehran University Press, Tehran. [in Persian]
16. Hassan al-Sarari, Sadiq Saleh, Ahmed Ismail Omar, (2021), Provisions of the crime of abortion in Islamic jurisprudence and Yemeni and Sudanese law, Al-Andalus Journal of Humanities and Social Sciences, Issue (43), Volume (8). [in Arabic]
17. Ibrahim Al-Malek, Abdullah Abdulaziz (2021), The Crime of Inciting or Helping to Suicide in Qatari Law, Compilation Course, Master's Thesis in General Law, Qatar College of Law.[in Arabic]
18. Iraqi Penal Code No. 111 of 1969. [in Arabic]
19. Jafari Mojtabi (2014), critical analysis of the boundaries of consent in the crime of sexual assault: subject rights and the necessity of its reform, Criminal Law Research, 3rd year, 10th issue, pp. 113-127. [in Persian]

20. Jafarzadeh, Jafar, Ari, Mahmoud, Abolhosseini, Ali Akbar, and Ali Tabarfirouzjaei, Mohammad Baqer. (2016). Proofs of sanctity of suicide and its place in Iranian criminal law, Islamic jurisprudence and law research (Islamic jurisprudence and foundations), 13(49), 57-70. [in Persian]
21. Jordanian Penal Code No. 16 of 1976 AD. [in Arabic]
22. Jordanian Penal Law No. 16 of 1976 AD.
23. Kamel Al-Saeed, (1999), Al-Jaraim al-Waqaida al-Insan, "Explanation of the Jordanian Penal Code", Dar al-Thaqafa for Publishing and Al-Tawzi'ah, Amman, Al-Jordan. [in Arabic]
24. Kar, Mehrangiz (1379). A research on violence against women in Iran, Tehran: Roshangan and Women's Studies Publications. [in Persian]
25. Khaleghi, Ali, Saifi Qara Yataaq, Daoud, (1400). Fraudulent use of insurance benefits in the light of Iran's criminal system (comparison of social security law with compulsory third party insurance law approved in 2014), Encyclopaedia of Economic Law, 28(19), 1-36. [in Persian]
26. Khomeini Ruhollah (1421 AH), Tahrir al-Wasila, vol. 1, 2, Qom: Dar al-Alam. [in Arabic]
27. Klonsky., E. D., & Oltmanns, T., & Turkheimer, E. (2003). Deliberate self-harm in a nonclinical population: Prevalence and psychological correlates. American Journal of Psychiatry, 160(8), 1501-1509.
28. Kocalevent., R., & Fliege, H., & Rose, M., & Walter, M., & Danzer, G., & Klapp, B. (2005). Auto destructive syndromes. Psychotherapy and Psychosomatics, 74, 202-211.
29. laws of BRUNEI Penal Code ,SYARIAH PENAL CODE ORDER, 2013.
30. Laws of MALAYSIA Act 574 PENAL CODE As at 1 February 2018.
31. Maldives penal code LAW NO 6/2014.
32. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2016), Crimes against individuals, Mizan Publishing House, 11th edition. [in Persian]
33. Mirshekari, A. and Hosseini, F. S. (2024). Critique of a Judgment in the Field of Losses Caused by the Birth of a Sick Child: A Comparative Study Regarding the Right to Not be

- Born and Compensation for Damages Inflicted. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 6(21), 187-220. doi: 10.22034/law.2023.2011327.1257. [in Persian]
34. Mohaghegh Hali (1408 AH), *Sharia al-Islam*, vol. 4, Qom: Ismailian Institute. [in Arabic]
35. kohandani, M. and razavifard, B. (2020). Guarantees of terrorism crimes accused's citizenship rights in investigation process: a comparative study on Iranian, English and Egyptian legal system. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 3(7), 157-187. doi: 10.22034/law.2021.523262.1040. [in Persian]
36. Muhammad Amin bin Abedin, *Rejection of Al-Muhatsar Ali al-Dar al-Mukhtar*, vol. 1, p. 138. 6, (Riyadh: Dar Alam al-Katb, 1423 AH), pp. 6 and 38. [in Arabic]
37. Munir, Mohammad Daoud, Badghisi Sime, Salehi Abdul Kabir, Kaveh Ali Ahmad (2007). *Family violence, factors and solutions to deal with it*, Qom: Tebian Cultural and Information Institute. [in Arabic]
38. *Penal Code of the Republic of Tunisia approved in 1913 AD*. [in Arabic]
39. Rabbani Mousaviyan, Seyyed Ali, Nasiri Ruqiyeh (2018), review and revision of the meaning of the word retribution in Article 622 of the fifth book of the Penal Code approved in 2019 from a jurisprudential perspective, *Jurisprudential and Philosophical Studies*, 39(10). [in Persian]
40. Rasaei, M. and Emam, S. M. (2019). An Islamic Jurisprudential and Legal Survey of Violence in confronting with arrogant women. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 2(2), 21-42. doi: 10.22034/law.2019.239544. [in Persian]
41. Ross., S., & Heath, N. (2002). A study of the frequency of self-mutilation in a community sample of adolescents [Electronic version]. *Journal of Youth and Adolescence*, 31(1), 67.
42. Safai Saideh, Shakri Golpaygani Toubi, Farjiha Mohammad, Asadi Lilasadat (1402), judicial interpretations of the concept of "consent" in sexual assault; Content analysis of Iran and New Zealand cases, *Criminal Law Research Journal*, Volume Fourteen, Number 1, Pages 143-170. [in Persian]

43. Sarkhosh Javad, Hatami Iman. (1400). Criterion of establishing knowledge of the occurrence of the result in intentional murder, *Contemporary Comparative Law Studies*, 12(25), p. 70. [in Persian]
44. Saxe., G., & Chawla, N., & van der Kolk, B. (2002). Self-destructive behavior in patients with dissociative disorders [Electronic version]. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 32(3), 313-321.
45. Sharifi Khazarti (1400), other abuse- self-abuse (analysis and description of jurisprudential criminology), Tehran, Sabz Novin, first edition. [in Persian]
46. Sheikh Tusi (1387 AH), *al-Mabusut fi fiqh al-Umamiyyah*, vol. 4, third edition, Tehran, Al-Murtazawiyah Library for Revival of Al-Jaafari Antiquities. [in Arabic]
47. Syrian Penal Code No. 148 of 1949 AD. [in Arabic]
48. Tabatabaei Yazdi (1419 AH), *Al-Arwa al-Waghqi*, vol. 5, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [in Arabic]
49. The Penal Code of the Republic of Algeria, the People's Democracy, No. 11 of 2004 AD. [in Arabic]
50. Westen., P. (2004). "Some Common Confusions About Consent in Rape Cases", *OHIO State Jurnal of Criminal Law*, Vol 2.
51. Yari., G, & Alan .A. (2012). *Suicide and Suicidal Behavior*, *Public Health Reviews*, Vol. 34, No 2.